

جلسه دوم روح و غذای روح

«اهمیت بیداری در سیر الی الله»

۱- اهمیت بیداری در سیر الی الله

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ لَا سِيَّما عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

۲- اهمیت بیداری و يقظه

اولین و آخرین کاری که یک سالک الی الله باید انجام بدهد و همیشه با آن باشد بیداری از خواب غفلت و باصطلاح يقظه

است. بعضی فکر می کنند که اگر یک مدتی در حالت بیداری و یقظه کار کردند دیگر اگر غفلت آن ها را گرفت مساله ای نیست.

یقظه و بیداری برای یک سالک الی الله همیشه لازم است. به علت اینکه اگر انسان بیدار نباشد در دنیا و به فکر اهدافش و آخرتش و آنچه که خدای تعالی برای او مهیا کرده نباشد این شخص با خطرات زیادی روبرو می شود

۳- عمده خطرات، برای انسان غافل

عمده خطراتی که ممکن است انسان را از پا در بیاورد در وقتی هست که انسان غافل باشد در غفلت باشد، خواب باشد، چون در دنیا خطرات زیادی از اطراف و اکناف متوجه انسان

است، خطرات روحی. حالا خطرات مادی و ملکی و ظاهری اینها زیاد مهم نیست چون هر چه خطر شدید باشد نهایتش این است که انسان را می‌کشد، از بین می‌برد و دنیای انسان را از دست انسان می‌گیرد. اما اگر خطرات روحی، خطرات معنوی، خطراتی که متوجه ایمان انسان است، خطراتی که آخرت انسان را از دست انسان می‌گیرد، اگر متوجه انسان شد و انسان را از پا در آورد برای همیشه بدبخت و بیچاره است. لذا ما درباره خطرات ملکی و مادی حرف نمی‌زنیم اگر چه این خطرات هم در کنار یقظه و بیداری انسان از بین می‌رود و اگر انسان بیدار باشد روحش آگاه باشد و بداند چه می‌کند طبعاً خطرات مادی را هم از خودش دفع می‌کند.

یک شخص مؤمن، متدین، مسلمان چون از صراط مستقیم خارج نمی‌شود چون راه صحیح را راهی را که دین جلویش گذاشته او را انجام می‌دهد طبعاً به خطرات مادی هم مبتلا نمی‌شود برای اینکه اگر انسان واقعاً به وظایفش عمل بکند، واقعاً دینش برایش همه چیز باشد هیچ وقت گرفتار بعضی از مسائل مادی نمی‌شود.

حالا نمی‌خواهم در این خصوص توضیحاتی عرض کنم ولی به طور کلی این را بدانید که خطرات دنیایی مادی با بیداری روحی و دفع خطرات معنوی مسلماً آن‌ها هم از بین خواهد رفت و بلکه اصلاً به سراغ انسان نمی‌آید. آنچه که مسلم است و باید انسان روش خیلی کار بکند کوشش بکند که بیدار باشد عیناً مانند کسی که در وسط یک دسته درنده قرار گرفته باشد

و اگر چرت بزند، غفلت بکند آن درنده‌ها به سراغش می‌آیند. دنیا هم برای روح انسان یک همچین حالتی دارد «دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»^۱ اینجا یک خانه‌ای هست که به بلا پیچیده شده از اطراف و جوانب و همه جهت برای روح انسان خطراتی هست که یا انسان را در خواب غفلت فرو می‌برد و یا اینکه خوابش منتهی به مرگش می‌شود و به کلی دیگر از مواعض و این‌ها استفاده نکند.

اول خطری که اگر انسان در خواب غفلت بود به سراغ انسان می‌آید شیطان است. آن روزی که خدا با او صحبت کرد به ملائکه فرمود: «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» همه‌تان برای حضرت آدم سجده کنید «فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» ابلیس «أَبَى وَ

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶.

اَسْتَكْبَرُ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۲ ابا کرد، تکبر کرد، حاضر برای خضوع در مقابل حضرت آدم نشد و عظمت حضرت آدم را قبول نکرد و رانده شد. در آن روز گفت: «لَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»^۳ من همه را اغواء می‌کنم، تمام مردم را، تمام بنی آدم را اغواء می‌کنم «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»^۴ مگر بندگان پاکت را که آن‌ها استثناء هستند. بندگان مخلص کسانی هستند که بیدار از خواب غفلت باشند یعنی غافل نباشند به جهت اینکه شیطانی که با آن همه کید و با آن همه مکر، با آن قدرت، با آن باصطلاح اغوایی که دارد در کمین ماست یک خطر به این بزرگی. این در کمین ماست فرقی هم نمی‌کند شما در مرحله

۲ سوره بقره، آیه ۳۴.

۳ سوره ص، آیه ۸۲.

۴ - سوره ص، آیه ۸۳.

محبت باشید در کمین‌تان است، در مرحله جهاد با نفس
باشید در کمین‌تان است، در مرحله بندگی باشید در
کمین‌تان است. هر چه شما رشد می‌کنید و به کمالات
نزدیک‌تر می‌شوید آن شدت عملش نسبت به شما بیشتر
می‌شود. شما وقتی که می‌بینید بعضی از فرقه‌های انحرافی
خیلی مرتب و منظم اخلاقی و همه آنچه را که شما
می‌خواستید داشته باشید آن‌ها دارند علتش این است که
آن‌ها شیطان را دیگر دشمن خودشان نمی‌دانند و او هم
دشمنی نسبت به آن‌ها نمی‌کند چون کارش را در مرحله اول
کرده یعنی منحرف‌شان کرده و جهنمی‌شان کرده دیگر حالا
کاری ندارد که بیاید مثلاً نمازشان را نامنظم کند یا مثلاً وادار به
دروغ‌شان کند. درختی که از ریشه بریده شده دیگر نمی‌آیند

میوه و برگ آن را سمپاشی کنند چون چیزی ندارد، حیات ندارد. وقتی انسان عقائدش خراب شد دیگر حیاتی ندارد لذا شیطان کاری به آنها ندارد. آنها هم روی برنامه فطرت خودشان یک نظمی در زندگی شان دارند شما اگر در مسجد الحرام بروید لذت می‌برید از آن سکوت، از آن نظم، از آن یک امام جماعت داشتن، از آن وضعی که آنجا هست ولی در مساجد شیعه که می‌روید می‌بینید که یکی چای می‌خورد، یکی سیگار می‌کشد اصلاً به مسجد کمتر می‌خورد این وضع تا به چیزهای دیگر. بنابراین این را می‌خواهم عرض کنم که هر چه شما رشدتان بیشتر بشود، کمالاتتان بیشتر بشود، فشار شیطان هم بیشتر می‌شود. بنابراین غفلت شما ضررش در مراحل بالا بیشتر است تا در مرحله اول. یک سالک الی الله

همیشه باید حواسش جمع باشد که شیطان دشمن است. «أَلَمْ
أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُبِينٌ»^۵ یک دشمن آشکارایی. این اول خطری است که برای
بندگان خدا هست گاهی می‌شود یک بنده خدا یک سالک
الی الله یک کار شیطانی می‌کند که ضررش صدها برابر بیشتر
از یک فرد عادی ست که همان کار شیطانی را می‌کند.

خطر دوم که برای سالکین الی الله هست نفس اماره بالسوء
است. شما بگویید ما مرحله جهاد با نفس را عبور کردیم و رد
شدیم و دیگر راحت هستیم بله اگر درست عمل کرده باشید
راحت هستید اما همان طوری که مثال زدم این مرکبی که زیر
پای ما هست، این نفسی که صورت عوض کرده و با مرکب ما

۵ - سوره یس، آیه ۶۰.

رفیق شده این را اگر شما رامش کردید خوب است مثل اسب وحشی که انسان وقتی رامش می‌کند آنقدر مطیع می‌شود با همه تحرّکی که دارد که وقتی سوارکار می‌خواهد از روی دیوار عبورش بدهد، از روی دیوار دو متری می‌پرد و عبور می‌کند و صد در صد مطیع است اما همین اسب را اگر یک سال در آخور ببندینش و کاری از آن نکشید این می‌بینید شده باز همان اسب وحشی. این را بدانید اگر شما نفس اماره بالسوءتان را نفس اماره به حسن کردید اماره به خوبی کردید «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^۶ به مرحله‌ای رسیدید که هر چه شما می‌خواهید خدا هم همان را می‌خواهد و هر چه خدا می‌خواهد شما هم همان را می‌خواهید اینقدر مطیع بشوید در

۶ - سوره انسان، آیه ۳۰.

مقابل پروردگار اگر یک همچین حالتی در شما پیدا شد، یک مدتی غفلت گرفت تان یعنی حالت یقظه تان ضعیف شد باز می بینید این مرکب تان، این نفس تان، این نفس اماره بالسوء تان که با بدنتان، با شیطان رفیق بوده حالتش عوض شد و باز به همان حالت اول برگشت باز فیلتان یاد هندوستان می کند، نمی توانید کنترلش کنید دفعه دوم فشارش هم بیشتر می شود. پس ببینید در بعد از جهاد با نفس هم باز نفس اماره آن حالتی که در آن هست، آن یاد هندوستان کردنش، آن وا گذاشتنش، این است که شما رسیدید به یک مرحله ای که خیلی خوب و بسیار عالی بنده واقعی خدا هستید، اما یک خرده ای رو به نفستان دادید، یک خرده ای ترکش کردید، یک خرده ای شما را غفلت گرفت و غفلت شما را فرو برد باز دوباره

می بینید نفس اماره همان نفس اماره چموش وحشی قدیمی می شود.

در وقتی که انسان صد در صد بنده خدا شد همان بنده ای که امام صادق علیه السلام به عنوان بصری می فرمایند: «فَاطْلُبْ أَوَّلًا مِنْ نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ»^۷ ماها همه بنده خدا هستیم حتی آنی که در گناه اسراف هم کرده خدا آن را بنده خودش می داند «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَشْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ»^۸ این ها رامی گوید یا عبادی که اسراف کردید، زیاده روی کردید بر ضرر خودتان «عَلَى أَنْفُسِهِمْ» به آن ها هم بنده می گوید، آن ها هم بنده هستند همه موجودات عالم بنده خدا هستند، شماها همه بنده

۷ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴، باب آداب طلب علم و احکام

۸ سوره زمر، آیه ۵۳.

هستید منتهی چه؟ بنده تزکیه نشده، بنده معصیتکار، بنده منحرف، حتی اعتقادات درستی ممکن است نداشته باشید.

۴- طریقه رفع خطر شیطان و نفس

اما حقیقت عبودیت وقتی در انسان پیدا شد، حقیقت عبودیت را اگر بخواهیم مثال بزنیم مثل یک سربازی است که در ارتش است. مثل یک کارمندی است که در یک اداره کار می‌کند. شما ببینید به این آقا می‌گویند چه کاره‌ای؟ می‌گوید: کارمند مثلاً شهرداری هستم معنایش این است که صبح می‌رود شهرداری عصر می‌آید بیرون، هر کاری که بخواهد این شغل را ازش بگیرد با آن مبارزه می‌کند ولو نصف شب باشد. کارمندا این طوری باید باشند والا کارمند نمی‌شوند و دائماً

فکر و ذکرش این باشد که شغلش را از دست ندهد. بنده واقعی خدا آن کسی است که فکر و ذکرش این باشد که بندگی اش از دست ندهد، نصف شب باشد، صبح باشد، ظهر باشد، هر چیزی که با بندگی او نسبت به ذات مقدس پروردگار مخالف است همه را ترک کند جدی هم ترک کند اگر بندگی اش ایجاب می کند که فرض کنید به هیچ وجه مطابق با هوای نفسش، مطابق خواسته های شیطان عمل نکند، نکند. در یک چنین صورتی خدای تعالی دیگر صد در صد به کمکش می آید که می فرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»^۹ تو ای شیطان، تو بر بندگان من تسلط نمی توانی داشته باشی. بندگان من، این همان بندگان است که «يَا

۹ سوره اسراء، آیه ۶۵.

عِبَادِي الَّذِينَ أَشْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»^{۱۰} نه اینکه تسلط دارد والا آن همه گناه نمی‌کند اسراف بر ضرر خودش نمی‌کند این را که می‌فرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»^{۱۱} قطعاً بندگان واقعی و حقیقی خدا هستند که حتی هر چه اذیت‌شان کنند کوچک‌ترین غضبی ندارند.

ببینید درباره عباد الرحمن بندگان خدای بخشنده، خدای تعالی چه می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^{۱۲} جاهلون یک عده ای بودند که بهترین نمونه‌اش همین الواط‌هایی که هر چیزی را که می‌خواهند دست بیاندازند هر چه که طرف‌شان اهمیّت

۱۰- سوره زمر، آیه ۵۳

۱۱- سوره اسراء، آیه ۶۵.

۱۲- سوره فرقان، آیه ۶۳

بیشتری داشته باشد و این‌ها نترسند بیشتر می‌خواهند دستش بیاندازند. بیشتر به او جسارت می‌کنند. پیغمبران را استهزاء می‌کردند که خدا می‌فرماید: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»^{۱۳} که خدا می‌فرماید حسرت بر این بندگان که پیغمبری نیامد برای آن‌ها مگر اینکه آن‌ها مسخره‌اش کردند. افراد جاهل آن‌هایی هستند که حساب هیچ چیز را نمی‌کنند ببینید یک شخصی به مالک اشتر که ایشان داشتند در کوچه می‌رفتند جسارت کرد بعد یک نفر دیگر به او گفت: فهمیدی او چه کسی بود؟ ایشان وزیر و فرمانده ارتش علی بن ابیطالب علیه‌السلام هستند یک فرد پرقدرت در زمان خلافت حضرت علیه‌السلام بودند. فردی

۱۳ سوره یس، آیه ۳۰.

که جسارت کرده بود خیلی ترسید دوید رفت دنبالش سؤال کرد که مالک کجا رفت؟ گفتند: رفت داخل مسجد. رفت آنجا دید مالک اشتر دارد نماز می خواند، نشست پهلویش وقتی نماز مالک تمام شد گفت: من معذرت می خواهم. مالک اشتر گفت: من آمدم در مسجد دو رکعت نماز بخوانم و تو را دعا کنم که به کسی که نمی شناسی توهین نکنی. این معنای «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^{۱۴} هست. از طرف مالک اشتر سلام است، تقاضایی از خدا هست که خدایا او را از این نقصی که دارد، از این عیبی که دارد، از این مرض روحی که دارد نجاتش بدهد و سالمش کن. این معنای «قَالُوا سَلَامًا» است. و همین طور اگر عصبانی شدید اگر غضب بیجا کردید

۱۴ سوره فرقان، آیه ۶۳.

بدانید عباد الرحمن نیستید، حقیقت عبودیت در تو پیدا نشده و اگر بگویی: حقش بود باید این کار را می‌کردم بدان که در خواب غفلتی و تواز آن بندگان خاص پروردگار نیستی که خدای تعالی باصطلاح حامی‌ات باشد و بفرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»^{۱۵} بلکه ولایت شیطان را پذیرفتی که «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ»^{۱۶} تسلط شیطان بر کسی است که ولایت شیطان را پذیرفته است.

در مرحله عبودیت که انسان کاملاً بنده خدا باشد. اینجا ممکن است بگوییم: تازه یک خطر از او رفع شده است، آن

۱۵ سوره اسراء، آیه ۶۵.

۱۶ - سوره نحل، آیه ۱۰۰.

خطر شیطان است و آن خطر نفس اماره است این دوتا خطر از او رفع شده.

۵- خطر شیطان سیرتان و محبت دنیا

خطرات دیگری هم هست که ما غالباً در دنیا از آن غافل هستیم خطرات شیطان سیرتان است، آخر ما شیطان جنّی داریم و شیطان انسی. خطر شیطان انسی بیشتر است. در بهشت هم که شیطان می خواست یک کاری انجام بدهد رفت داخل جلد مار. در دنیا هم وقتی می خواهد کاری صورت بدهد می رود داخل جلد افرادی که حیوان سیرت هستند، افراد حیوان سیرت. گاهی می شود یک حرف، یک کلمه طرف را اغواء می کند یعنی مثلاً انسان یک حرفی می زند این حرف را

آن طرف حجت می‌داند و وقتی حجت دانست به آن کلام عمل می‌کند و وقتی به آن کلام عمل کرد از راه منحرف می‌شود خیلی حواستان جمع باشد افراد متدین این خطر تهدیدشان می‌کند که خودشان هم زیر بار شیطان بروند عملشان، گفتارشان، حتی رفاقت‌هایشان، معاشرت‌هایشان این‌ها همه شیطانی باشد و دیگران را منحرف کند. می‌بینید یک روحانی یک کار مثلاً یک گناهی را انجام داد مردم می‌گویند: لابد این کار گناه نیست که این روحانی انجام می‌دهد والاّ این شخص انجام نمی‌داد، تا گفتند گناه نیست انحراف پیدا کردند، تا انحراف پیدا کردند به خطر می‌افتند. معاشرت‌ها با مردم، با عمل‌هایی که ما انجام می‌دهیم این‌ها همه خطرات است، محبت دنیا خودش یکی از خطرات بسیار مهم است.

دلبستگی به دنیا، دلبستگی به مال دنیا، دلبستگی به زندگی
دنیا دلبستگی به خانه‌ای که درست کردی، دلبستگی به اموال
و پولی که داری این‌ها همش خطر است. خطراتی هست که
انسان گاهی در اثر غفلت و خواب غفلت ممکن است به این
خطرات مبتلا بشود فقط انسان باید هر چه که دارد از اموال از
پول از زندگی از زن و فرزند هر چه که دارد خودش را یک متولی
از جانب خدا بداند و باید این‌ها را اداره کند. اگر شما را متولی
یک مسجد کردند، یک امامزاده کردند این معنی‌اش این است
که مواظب این باش که خراب نشود، دیگر تو حق اینکه از آن
سوء استفاده بکنی را نداری، این خانه هم همین طور، این‌ها را
ما داریم و وظیفه داریم که نگه‌شان داریم و هر وقت هم که
ملک الموت آمدند که قدم‌شان ان شاء الله مبارک باشد برای

همه، تشریف آورد و گفت: بیا برویم نگوید: اِه من خانه مان چه کار کنم؟ زندگیمان را چه کار کنم؟ ای کاش من نمی داشتم! نه، این حرف ها نیست. حضرت سلیمان که جنّ و انس حتی حیوانات تحت فرمانش بودند و ساختمان قدس شریف را درست کرد با آن تشکیلات مفصل بیت المقدس را درست کرده و تمام کرده کارش را و بر عصایش تکیه کرده بود داشت نگاه می کرد که ملک الموت آمد آنچنان هم راحت روح او را قبض کرد که همان جا دیدند دارد نگاه می کند و ایشان مرد و کسی هم جرأت نمی کرد برود جلو بگوید: آقا این نگاه کردن شما طول کشید تا اینکه موریانه آمد عصایش را جوید افتاد آن موقع فهمیدند مرده چقدر راحت. ثروت به این زیادی با آن همه تخت و قدرت و تشکیلات ولی یک سر سوزن

دلبستگی به ایشان نداشت، اگر دلبستگی می‌داشت با
سرطان می‌مُرد چرا؟ به جهت اینکه خدا حضرت سلیمان را
دوست دارد باید از دنیا بکندش کنده نمی‌شود مگر اینکه
فشارش بده تا انسان از دنیا بیزار بشود. گاهی این امراضی که
انسان مبتلا می‌شود برای این است که انسان ببیند این دنیا
ارزشی ندارد. یکی از دوستان بود که از ثروتمندان مهم بود
ایشان مریض بودند من رفتم عیادت ایشان حدود پنج شش
ماه بود که افتاده بود در بستر به طوری که پوست پشتش کنده
شده بود خیلی وضعش بد بود چون نمی‌توانست این طرف و
آن طرف بشود. احوالشان را پرسیدم، گفت: خیلی خوب،
گفت: تا حالا بد بودم همش گفتم: خدایا من را از این مرض
نجات بدهد چه و چه حالا یک شعر جالبی خواند که

گر طبیبانه بیایی بر سر بالینم

به دو عالم نفروشم غم بیماری را

این را خواند و گریش گرفت و خیلی اشک شوق ریخت بعد از
چند روزی هم فوت کرد. خب خدای تعالی از این دنیا
کندش. قبل از اینکه با این همه فشار بکن‌تان خودتان را
بکنید. کاری ندارد کنده بشوید دنیا و همه چیزایی که در دنیا
هست یک پول ارزش ندارد «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ»^{۱۷} هیچ
انسان ناراحت نباید بشود. قبل از اینکه مریض بشوید، ول کن،
ترک کن اگر گفتند: بگیر بگیر، اگر گفتند: ترک کن ترک کن.

۱۷ - سوره حدید، آیه ۲۳.

۶- فائده و اهمیت بیداری

خیلی راحت در تمام مراحل تزکیه نفس بیداری و یقظه خیلی اهمیت دارد بیدار باشید. بیداری جدیت می‌آورد، بیداری انسان را از بیهودگی نجات می‌دهد، بیداری است که انسان را از شیاطین، از گناهان، از تمام وابستگی‌ها، از تمام خطرات نجات می‌دهد. بیدار باشید نگویید که ما مرحله یقظه را گذرانیدیم و به یک نفر گفتم: تو مرحله یقظه‌ای؟ گفت: آقا من خیلی مرحله بالا رفتم! گفتم: تو اصلاً به درد این برنامه نمی‌خوری چون بیدار بودن در تمام راه برای انسان لازم است شما مسافرت وقتی می‌کنید مخصوصاً خودت راننده باشی خودت بخواهی بدن خودت را در این راه قرار بدهی و ببری حالا انسان راننده دیگری است اطمینان هم دارد به راننده

چرت می‌زند از اولی که وارد ماشین می‌شوید تا آخر چرت می‌زنید. خیلی خوب چون شما رانندگی نمی‌کنید ولی وقتی خودتان، خودتان را می‌خواهید نجات بدهید خطرات متوجه خودتان است. تنها هستید و این را بدانید تنها همه‌تان تنها هستید. اینجا صد در صد انسان باید بیدار باشد یک چرت زدن ممکن است انسان را در دره بیاندازد. حالا فرقی هم نمی‌کند این چرت دم دروازه تهران باشد یا در شاهرود باشد یا دم دروازه مشهد باشد، چرت چرت است. هر جا آمد شما را از پا در ورد. لذا غافل نباشید روز به روز باید یقظه‌تان بیشتر باشد، توجه‌تان بیشتر باشد تا اینکه برسید به آن جایی که خدای تعالی برای بندگان تعیین کرده در تمام مراحل انسان باید بیدار باشد، یقظه داشته باشد.

هر چه می‌توانید روی یقظه کار کنید روی بیداری کار کنید
خودتان را عادت بدهید به بیداری.

۷- طریقه عادت کردن به بیداری

عادت کردن به بیداری هم همین است که هر چیزی را که شما
می‌بینید چه خوب و چه بد «كُلُّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ» خدا را پشت آن
بدانید کارهای بد را خدا برای شما نمی‌خواهد ولی شما با
دست خودتان خدا را وادار کردید شما را عذاب کند. دقت
می‌کنید یک جا خدای تعالی می‌فرماید: هر چه به انسان
می‌رسد از جانب خدا هست، بله. در یک جا دیگر می‌فرماید:
هر چه به شما می‌رسد بدی از جانب خودتان است و خوبی‌ها
از طرف خدا است. این چه طوری می‌شود؟ مثلاً حاکم یک

حکومت یک نفر را به خاطر عمل بدش شلاق بزنند این شلاق از جانب خودت است ولی دستورش را حاکم صادر کرده پس هم از جانب خودت است، خودت باعث شدی هم حاکم دستور داده و از جانب حاکم است پس «كُلُّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ» و اینکه کارهای خوب، هر چه نیکی به شما می‌رسد از جانب خدا هست یعنی مستقیماً حالا کار خوب انجام دادی و کار بد کردی خوبی‌هایی که به تو رسیده از جانب خدا هست و بدی‌هایی که به تو رسیده از جانب خودت هست و خودت باعث شدی و خودت این را به وجود آوردی

پس بنابراین کوشش کنید مطلبی که خیلی اهمیت دارد و امروز می‌خواستم عرض کنم و احساس می‌کنم بعضی‌ها خیال می‌کنند که حالت یقظه لازم نیست و حالا برنامه دیگری نه

برنامه‌ها فرقی نمی‌کند هر کدام مقوم دیگری هست و مقوم
قبلی هست و مقوم بعدی هست و مراحل پشت سر هم در هر
مرحله‌ای که هستید مدتی کار کنید تا عادتتان بشود و سال‌ها
هم اگر در یقظه و بیداری از خواب غفلت کار کنید ارزش دارد
و با همین یقظه و بیداری اگر انسان از دنیا برود شهید از دنیا
رفته روایت دارد که «من مات فی طلب العلم مات شهیداً»^{۱۸}
کسی که در طلب علم و در دنبال رفتن به علم واقعی به
حقیقت به حقایق دنبال این‌ها برود این «مات شهیداً» مثل
شهید از دنیا رفته و کوشش کنید ان شاء الله که یقظه‌تان را در
هر حال و در هر مرحله تکمیل کنید چون ائمه اطهار
علیهم السلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن همه

۱۸ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۶.

این‌ها برای یادآوری و بیدار کردن ما آمدند. قرآن را خدای تعالی به همین مناسبت ذکر نام گذاری کرده که «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^{۱۹} پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله را مذكر معرفی فرموده که «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^{۲۰} و قرآن هم که ذکر است و همه این‌ها برای بیداری انسان از خواب غفلت و انبیاء و خاندان عصمت علیهم السلام هم مذكر هستند برای اینکه ما همیشه حواسمان جمع باشد مسائل را جدی بگیریم، واقعیّتی بدهیم به کارهای روحی و معنویمان و برای روحمان و مسائل روحیمان ارزش قائل باشیم، اهمیّت قائل باشیم که ان شاء الله امیدواریم موفق باشیم.

۱۹ - سوره حجر، آیه ۹.

۲۰ - سوره غاشیه، آیه ۲۱.

خدایا به آبروی آقایمان حجة بن الحسن ارواحنا فداه فرج آن
حضرت را برسان. خدایا ما را از بهترین یاران و اصحابش قرار
بده. قلب مقدسش را از ما راضی بفرما. با ظهورش
گرفتاری‌های مسلمین را برطرف بفرما. با ظهورش عدل و داد
در سراسر عالم برقرار بفرما. با ظهورش تمام ظالمین و ظلم را از
بین ببر. «و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین»